

امیرالمؤمنین (ع) امام انسانیت

به طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که امام علی (ع)، امام انسانیت، عدالت، اخلاق، تلاش، نظم، فداکاری، جهاد و دفاع از اسلام بود.



به طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که امام علی (ع)، امام انسانیت، عدالت، اخلاق، تلاش، نظم، فداکاری، جهاد و دفاع از اسلام بود.

به گزارش ایسنا، سیدابوالحسن نواب، رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب، در یادداشتی در روزنامه ایران نوشت: «امام علی (ع) را باید «امام انسانیت» نامید. امامی که هم اولش انسان بود. برای او تنها انسان، بدون نژاد، رنگ و دین و ملیت مطرح بود. وقتی مالک اشتر مأمور امیرالمؤمنین (ع) در مصر شد، امیرالمؤمنین (ع) به وی فرمودند: «ای مالک، مردمی که در مصر هستند، یا هم دین تو هستند یا همزاد تو در خلقت هستند.» یعنی حتی اگر مسلمان و هم دین تو نباشند، انسان هستند، باید رعایت آنان را کرد. یا در جای دیگری فرمودند: «اگر از پای یک زن یهودی خلخال به ظلم و جنایت دریاورند، انسان خوب است تا از این غصه بمیرد.» این سخنان نماد آن است که حضرت علی (ع) «امام عدالت» هستند. به همین دلیل بعد از ۱۴ قرن از شهادت ایشان بهترین کتاب درباره امام اول شیعیان را مسیحی‌ها می‌نویسند؛ جورج جرداق، کتابی به نام «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» می‌نویسد درباره این که امیرالمؤمنین، صدای عدالت انسانیت است. یعنی پس از ۱۴ قرن پاسداشت آن نگاه بلند و انسانی امیرالمؤمنین (ع) را حفظ کرده‌اند و امیرالمؤمنین امام بشریت است. از ابتدا تا انتهای نهج البلاغه، فریاد امام علی (ع)، فریاد عدالت و حق‌طلبی و دفاع از حقوق انسان‌ها است.

امیرالمؤمنین در طول حکومت کوتاه ۵ ساله‌اش نام‌ها و کارگزارانش نوشت و در این نامه‌ها بر رسیدگی به محرومان، ظلم نکردن، جدایی از اشرافیت و در هم نیامیختن با زورمندان و قدرتمندان و حيله‌ها؛ گران تأکید داشت. به حکام می‌گفت: شما نباید از مردم فاصله بگیرید. شما نباید سر سفره های رنگین بنشینید. شما نباید از پاسخگویی به محرومان طفره بروید بلکه باید غمخوار محرومان باشید. این حکومت و این پست و این مقام، بر شما یک طعمه نیست؛ وسیله ای است برای خدمت کردن و نه وسیله ای برای زاندوزی و مال اندوزی و قدرت‌طلبی و تجاوز به حقوق انسان‌ها.

امیرالمؤمنین (ع) در زمانی که حکومت ظاهری نداشت، از نصیحت به کارگزاران و حاکمان وقت هیچ کوتاهی نمی‌کرد و در دفاع از نظم و انضباط ظاهری حکومت، کوتاه نیامد؛ حتی آن گاه که شورشیان می‌خواستند عثمان، خلیفه مسلمین را بکشند، فرزندان خود را برای دفاع از وی فرستاد و در مشورت دادن به خلیفه اول و دوم هم هیچ کوتاهی نکرد. اگر چه حکومت حق او بود ولی اکنون که دیگران آن حکومت را گرفته بودند، با انتقام‌جویی و حرکت های ایدایی و غیر منطقی نظم جامعه اسلامی را بر هم نزد. امیرالمؤمنین (ع) امام عقلانیت، منطق و نظم بود. امیرالمؤمنین (ع) نظم جامعه را حفظ کرد و در نهایت هم که حکومت را بر اثر اصرار مردم پذیرفت، فرمود: «اگر خواست شما نبود، من افسار این شتر را بر گردنش می‌انداختم.»

امیرالمؤمنین (ع) یک لحظه از کار و تلاش در زندگی شخصی فروگذار نکرد. حتی امروز پس از ۱۴۰۰ سال به مدینه که مشرف می‌شویم، منطقه‌ای است به نام «آبار علی»؛ یعنی چاه‌هایی که امیرالمؤمنین با دست مبارک خود کنده اند و ایجاد کار و اشتغال کرده‌اند. امیرالمؤمنین (ع) در ایجاد اشتغال، فعالیت و تلاش، یک لحظه از پا ننشستند.

امام علی (ع) «مرد میدان جهاد» بود و هر آنگاه که اسلام مورد حمله قرار می‌گرفت، در کنار رسول الله (ص) مانند یک سرباز فداکار تا سرحد جان از اسلام دفاع می‌کردند و در جبهه جهاد هم اخلاق و معنویت را فراموش نمی‌کردند. ایشان در جنگ با عمرو بن عبدود آنگاه که او به صورت امیرالمؤمنین آب دهان انداخت، از روی سینه‌اش بلند شدند تا کشتن او در آن لحظه، از روی خشم شخصی نباشد و دوباره به میدان برگشتند و در مصاف با او سرش را از تن جدا کردند.

در بازگشت از جنگ صفین نیز وقتی از امام علی (ع) درباره معارف الهی (قضا و قدر) سؤال کردند ایشان با آرامش به سؤال‌ها؛ کننده پاسخ داد. سپس دیگران به امیرالمؤمنین گفتند: «این چه وقت پاسخ دادن بود؟» و ایشان فرمودند: «جنگ ما برای بیان حقیقت و معارف الهی است.» پس به طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که امام علی (ع)، امام انسانیت، عدالت، اخلاق، تلاش، نظم، فداکاری، جهاد و دفاع از اسلام بود.»